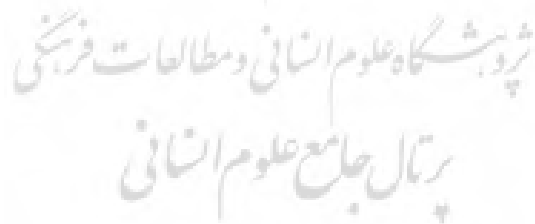


جریان مشروطه خواهی در اندیشه ی آیت الله غروی نائینی

فاطمه تشویق^۱

چکیده

نائینی از روحانیون فعال در جریان مشروطه بود. وی از سید جمال الدین اسد آبادی و محمد عبده بسیار تأثیر پذیرفت و بسیاری از آرای مطرح شده در کتابش مأخوذ از آرای اسد آبادی و محمد عبده می باشد. در جریان مشروطیت با روحانی دیگر به نام محمد کاظم خراسانی، نقش مهمی ایفا نمود. بیانیتهای نائینی در جریان مشروطه موجب دلگرمی مشروطه خواهان در واقع نوعی مشروعیت بخشی به آنها بود. در نوشتهی حاضر سعی بر آن است که با رویکردی جامعه شناختی - تاریخی به بررسی آراء و اندیشههای آیت الله غروی نائینی پرداخت. ضمن بیان بستر اجتماعی تاریخی که این روحانی بزرگ در آن پرورش یافته، انواع حکومتها، ریشههای اندیشههای و آراء او در باب جریان مشروطیت پرداخته شده است. **کلید واژهها:** حکومت استبدادیه، حکومت مشروطه، حکومت ولایتیه، مشروطه.



^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی.

اوضاع سیاسی - فرهنگی ایران در آستانه‌ی مشروطیت

برای وقوع هر حادثه‌ی تاریخی مسلماً در دوران پیش از آن شرایطی حاکم می‌شود که وقوع فرآیند حادثه‌ی تاریخی را ممکن می‌کند. مشروطیت نیز از جمله‌ی این وقایع تاریخی است که برای همین منظور ابتدا باید زمینه‌ی سیاسی - فرهنگی و اجتماعی آن که منجر به ظهور متفکرین مشروطه‌خواه و وقوع این حادثه‌ی تاریخی شد، بررسی نمود. در این مجال ابتدا به بررسی کلی از اوضاع سیاسی - فرهنگی ایران در آستانه‌ی مشروطیت می‌پردازیم.

ایران قبل از مشروطیت کشوری به تمام عقب مانده کشاورزی به حساب می‌آمد. هیئت حاکمه که در رأس آن دربار و شاه قرار داشت بر قدرت اشرافیت و صاحب منصبان و ملاکان بزرگ و حکام ولایات متکی بود. شاهان دربار به دنبال دادن امتیازات بی حد و حصر به بیگانگان و اهل فرنگستان بودند. اغلب سیاستمداران یا انگلو فیل (طرفداران انگلستان) هستند و یا رسو فیل (طرفدار روسیه) و در عین حال چاکر و غلام خانه زاد خاک پای دربار پادشاه و در این میان اگر عنصر خدمتگزاری مانند امیر کبیر و ... به عرصه می‌آمدند سرانجامشان مرگ یا تبعید بود. وضع روستاهای ایران بسیار اسفبار بود. بیماری، نبود بهداشت و... از جمله ویژگی‌های روستاهای آن زمان است. شهرهای ایران در آن زمان بی شباهت به شهرهای قرون وسطایی نبود و آنچنان سخت و زنده به بخش‌های رقیب و متنازع دسته بندی شده بودند که قدرت مقاومت در برابر حکومت مرکز را نداشتند و این باعث می‌شد فرد مستبد و حاکم ستمگر در هیئت پدر تمام جوامع کوچک تر ظاهر شده و به این ترتیب مظهر وحدت مشترک تمام جوامع شناخته شوند و از سوی دیگر شاه را سایه‌ی خدا در زمین می‌دانستند و همین باعث مشروعیت قدرت پادشاه می‌شد. از متولیان فرهنگ که در آن زمان حضور داشتند روحانیون بودند که گروهی ریسمان دربار را گرفته بودند (به عبارت دیگر علمای درباری بودند) و دسته‌ای دیگر غیر سیاسی بودند و تقدیرگرایانی بودند که به فعالیت‌های سیاسی توجهی نشان نمی‌دادند اما در بین این دو دسته گروهی از روحانیون وجود داشتند که به زمان خود کاملاً آگاه بودند و در صدد فرصتی برای چاره جویی امور بودند از دل این دسته بعد ها افرادی بیرون آمدند که رهبری نهضت مشروطه را به عهده گرفتند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۴).

به نظر نگارنده شاید بتوان نائینی را در این دسته‌ی سوم از روحانیون قرار دارد که با فعالیت‌های خود به سمت مشروطیت حرکت می‌کرد. در سنت بررسی آراء و افکار متفکرین اجتماع برای فهم و شناخت بهتر آراء آنها مرسوم است که به شرایط اجتماعی آن نظریه پرداز و زندگی شخصی او پرداخت. برای تحقق این مهم در باب بعدی، بعد از بررسی اوضاع سیاسی - فرهنگی جامعه ایران در آستانه‌ی مشروطیت، به زندگی شخصی نائینی خواهیم پرداخت.

۱- زندگینامه آیت الله غروی نائینی

او در سال ۱۸۶۰ / ۱۲۷۷ در یک خانواده مشهور و محترم شهر نائین دیده به جهان گشود. پدر او حامی میرزا محمد سعید بود. پدر او شیخ الاسلام نائینی بودند. نائینی تحصیلات نخستین را در نائین انجام داد و سپس در سال ۱۸۷۷ / ۱۲۹۴ یعنی در سن ۱۷ سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان که در آن وقت هنوز از یک حوزه‌ی روحانی بزرگ برخوردار بود رفت و ۷ سال در اصفهان نزد حاجی شیخ محمد باقر اصفهانی زندگی کرد. او روحانی معروف آن شهر بود. شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی فرزند شیخ محمد باقر بود نائینی چند سال پس از قحطی و کمیابی در اصفهان وارد آن شد. نائینی در هنگام توقف در اصفهان نزد میرزا ابوالمعالی الکلکلباسی اصول و نزد شیخ قشقایی و شیخ هزار جریبی فلسفه و کلام خواند. اینکه نائینی نزد افراد این خانواده زندگی کرد و درس خواند و شاهد چند یک از اعمال استبدادگرانه و ضد مردمی آنان بود این احتمال را قوی می‌سازد که این حوادث در او واکنش مخالف ایجاد کرد و او را کم کم به راه مبارزه با استبداد روحانیون و دولت هر دو رهبری کرد. نائینی که در خانواده‌ی شیخ الاسلام‌ها [آنان که عنوانشان را از دربارهای پادشاهان می‌گرفتند و بدانها وابستگی داشتند] پرورده شده بود پس از ترک اصفهان از طبقه اصلی خود جدا شد و خود را در رده‌ی آن روحانیونی درآورد که رهبر طبیعی مردم شیعه بویژه طبقه متوسط یعنی بازرگانان ملی و صاحبان حرفه‌ها و صنفهای داخلی به شمار می‌آمدند. نائینی در سال ۱۳۰۳ ه.ق برای ادامه تحصیل راه عراق پیش گرفت در آنجا با میرزا حسن شیرازی آشنا شد. دوره آموزشی خود را بعد از شیرازی نزد صدر و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی گذراند و چند سال پس از آن بود که آخوند انقلاب مشروطیت را رهبری کرد. آشنایان با زندگی نائینی باور بر آن است که نامبرده حتی متن تلگراف‌ها و بیانیه‌های عمومی خراسانی، طهرانی و مازندرانی را پیرامون انقلاب مشروطیت انشاء می‌کرده است.

نائینی مورد اعتماد کامل رهبران طراز اول مذهبی بود. او در عراق فعالیتهای مشروطه خواهی زیاد انجام داد. به دلیل این پیشرفتهای دشمنان سیاسی و رقیبان علمی زیاد پیدا کردند او در همین دوران کتاب مهم خود را درباره مشروطیت نوشت. دوره استبداد صغیر (به توپ بستن مجلس) در ماه ژوئیه ۱۹۰۹ به پایان رسید و مشروطه خواهان باز حکومت را در دست گرفته پارلمان را بنیاد گذاشتند. در این دوران شیخ فضل الله نوری محاکمه و اعدام شد. علماء مشروطه خواه نظام نو ایران را از جهات بسیاری بر خلاف انتظار یافتند و علماء در مورد لا مذهب بودن شخصیت‌های سیاسی اعتراض کردند (حائری، ۱۳۵۴: ۱۷۹-۱۵۹).

به نوشته آقا بزرگ تهرانی، نائینی نزدیکترین رایزن آخوند خراسانی در زمینه انقلاب مشروطیت بود. میرزای نائینی در آن هنگام یک مجتهد فاضل بود در همین دوران او کتاب مهم «تنبیه الامه و تنزیه المله» را نوشت، اهمیت بیشتر آن به دست دادن اصول سیاسی و اجتماعی اسلام و نقش و هدف کلی حکومت اسلامی است. رساله مذکور در واقع یکی از استوارترین مباحث در

مورد مشروطیت است و با اثرش توانست دگردیسی بزرگی را در فقه شیعه به وجود آمد (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۱؛ دورانی، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

به عبارتی آنچه در تنبیه الامه آمده نه تنها بیان کننده دیدگاه نائینی است بلکه نشان دهنده موضع سیاسی خراسانی و مازندرانی نیز هست. به طور کلی در رساله‌ی خود تلاش کرد که اثبات کند مبانی مشروطه از قبیل آزادی، مساوات، پارلمان، تفکیک قوا و نظایر آن در بطن شریعت وجود دارند و اگر تا کنون به آن پرداخته نشده به دلیل غفلت علما می باشد، همچنین او در این کتاب به کلیه ی آرمان های مشروطه جنبه‌ی دینی بخشیده و وجود آن را در شریعت محرز پنداشته و برای اثبات نظریات خود از اصول، قفه و تاریخ صدر اسلام استفاده کرده است (رجبی، ۱۳۸۲: ۵۰۵-۵۰۴؛ آبادیان، ۱۳۷۹: ۱۱۱).

اندیشه های سیاسی نائینی محصول اجتهاد و تفکر خود اوست. به دنبال حوادثی که رخ داد علماء از مشروطه نا امید شدند. علماء عراق با دریافت تلگراف تصمیم گرفتند به کاظمین و از آنجا به ایران رفتند در این حرکت او هم شرکت داشت. حمله نظامی روس و انگلیس به ایران درست همزمان اشغال لیبی بوسیله ایتالیا رخ داد. با ورود نیروی اشغالگر ایتالیا به لیبی فریاد اعتراض و مخالفت مسلمانان در سراسر جهان اسلام بلند کرد. علماء هنگامی که مسئله اتحاد اسلام و مبارزه همگانی با استعمار مطرح گردید، مبارزات خود را با اتحاد و همکاری بیشتری دنبال کردند و مسئله مشروطه گری تقریباً از فکر و برنامه‌ی کار علماء خارج شده، نائینی هم که از فعالترین شرکت کنندگان در اجتماع علماء در کاظمین بود رفته رفته نه تنها از فعالیت‌های مشروطه خواهی کنار جست بلکه دیگر حتی نام مشروطه را بر زبان نیاورد، او وقتی از سیاست کناره گرفت زندگی علمی خود را به صورت مستقل دنبال کرد (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۱).

نائینی پس از مرگ اساتیدش حوزه مستقل درس تشکیل داد و شاگردان زیادی در درسش خصوصاً اصول الفقه وی، شرکت می کردند. ایشان بعد از رحلت میرزای شیرازی یکی از مراجع تقلید گردید (حسینیان^۱، ۱۳۸۶: ۲۲).

۲- سه مرحله مشخص در زندگی نائینی

با نگاهی کوتاه به زندگی آیت الله نائینی می توان به سه مرحله اصلی تقسیم کرد: نخست او با قلم و قدم بر ضد استبداد برخاست و با مشروطه خواهان ایران همکاری کرد. در مرحله دوم نائینی بعنوان یکی از رهبران ملی عراق بر ضد حکومت تحت الحمایگی انگلیسیان در آن کشور برخاست و همراه علماء دیگر برای کسب استقلال عراق کوشید. در آن دوران انگلیسی ها و ملک فیصل رفتار

۱- از مقدمه ی روح الله حسینیان بر کتاب تنبیه الامه و تنزیه الامه بهره مند گشتم: نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه الملّه، مقدمه، ویرایش، شرح و تعلیق روح الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

بدی با نائینی پیش گرفتند و سبب تبعید وی از عراق و بی خانمانی او شدند. در مرحله بعدی زندگی نائینی او به این نتیجه رسیده بود که همکاری با صاحبان قدرت بویژه آنان که در هیأت حاکمه ایران شرکت داشتند سودمندتر از جنگ با آنان بوده است. بر اساس همین پیوند هم بوده که مقام رهبری مطلقه دنیای شیعه را به دست آورد. در زمان او رضا شاه - شاه آینده - از محبوبیت برخوردار بوده ، بنابراین او را شایسته ی پشتیبانی می دانند. یعنی مرحله سوم زندگی او بدون توجه چندان به گامهای ضد روحانی یا ضد آزادی وقت کاملاً دوستانه بود. ما شاهد این هستیم که نائینی به رقم بی علاقگی دستگاه رضا شاه به علما و روحانیون پیوند دوستی خود را با رضا شاه ادامه داد و به سیاستهای او چندان اعتراض نکردند. مثلاً او به مناسبت اعیاد مذهبی برای رضا شاه پیام تبریک می فرستاد(حائری ، ۱۳۶۰ : ۱۹۶-۱۹۴).

این دوری از سیاست خیلی طول نکشید و او دوباره در سیاست عراق جلوه کرد. در آن دوران به دلیل نفوذ بیش از حد انگلیسیها در عراق و حمله روسها به ایران فتاوی جهاد از سوی علماء صادر می شد و دفتر آخوند خراسانی مرکز ملاقاتهای مهم سیاسی بود که مقامات انگلیسی و شخصیتهای ترک و ایرانی به ملاقات خراسانی می رفت اما در این دوران افرادی مثل شیخ فضل الله نوری با شدت بیشتری با استعمار مخالفت داشت. انگلیسی ها در آن زمان سعی می کردند خاندان سعودی را در عربستان، خاندان شریف حسین را در اردن و عراق بر سر کار بیاورند. ملک فیصل عامل و وابسته به انگلیسی ها بود و مردم عراق به رهبری نائینی به مقاومت برخاستند. در آنزمان پادشاه عراق تصمیم به تبعید او به ایران اقدام کردند. علماء تبعیدی هنگام ورود به خاک ایران مورد پذیرش قرار گرفتند و احمد شاه و مصدق السلطنه وزیر امور خارجه ی وقت تلگرافهای خوشامد گویی برای علماء به کرمانشاه فرستادند. هنگام ورود علماء به ایران تبلیغات ضد انگلیسی در کشور بالا رفت. نائینی و دیگر علماء تبعید شده پس از یک مسافرت ۴۵ روزه در روز ۱۷ اوت ۱۹۲۳ وارد قم شدند. نائینی معتقد بود که اگر حکومتها در جهان اسلام اصلاح شوند در آن صورت استعمار هم موفق نخواهد شد. این در واقع، تز سید جمال الدین اسدآبادی بود که حکومتهای اسلامی باید اصلاح شوند و از تاجر خارج شوند. نائینی با استعمار مخالف بود اما چون شاهد این بود استعمار هنوز آنچنان در جهان اسلام رخنه نکرده است مبارزه با استبداد مهم تر است. او در دوران خارج از کشور در کربلا و نجف به پختگی رسید، یکبار فرزند بزرگ نائینی، حاجی میرزا علی نائینی، از رضا شاه دیدن کرده نامه و هدایای نائینی را که عبارت بود از حلقه انگشتری و مقداری تربت کربلا به وی داد، او سرانجام در سن ۷۶ سالگی در نجف درگذشت (انصاری ، ۱۳۷۰ : ۴۶-۴۴؛ حائری ، ۱۳۶۰ : ۱۸۳ - ۱۷۵).

۳- ریشه های اندیشه های سیاسی نائینی

بخش عمده تنبیه الامه به اثبات قانونی و مشروع بودن حکومت مشروطه و غیر قانونی و نامشروع بودن استبداد اختصاص داده شده است. استبداد از دیدگاه نائینی با تئوری مونتسکیو و

روسو در زمینه تیرانی^۱ یا دسپوتیزم^۲ تا اندازه ای همسان است. منابع و مأخذ فراوانی برای شکل دادن به افکار نائینی وجود داشته است. چون او در یک کشور عربی می زیست قاعدتاً به روزنامه ها و مجله های عربی دسترسی داشته است. در آن هنگام اندیشه های سیاسی نوگرایان عرب و ترجمه های عربی برخی از کتابهای پیرامون تاریخ، جغرافیا و ... در دسترس خوانندگان عربی قرار داشته است. بطور نمونه کتاب «طهطاوی» که مفاهیمی نو سیاسی و بسیاری چیزهای دیگر در بر داشت (حائری، ۱۳۶۰: ۲۳۲).

۴- نائینی و اندیشه مشروطه گری

همانطور که گفته شد نوعی حکومت است که در آن از مالکیت و استبداد خبری نیست و متصدیان امور همگی عنوان «امین» را دارند. یعنی امانتدار عمومی هستند و در صورت تجاوز به حقوق مردم مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. بنابراین چنین حکومتی سلطنت را فردی مناسب و با کفایت باید اداره کند «حافظ» نامیده می شود. مردم میتوانند اعمال این فرد را زیر ذره بین قرار دهند و بررسی کنند. نائینی استدلال می کند حکومت مانند تولید برخی از موافق است و شخص متولی موظف است وظایف خود را بر طبق قانون و مقررات انجام دهد. چنین فردی حق هیچگونه تصرف شخصی ندارد. نکته دیگر که نائینی در بحث خود گنجانیده این است که وی مقام کشوردار را در مقابل شهروندان با پیوند میان شبان و گله همسان دانسته است، یعنی شبان بوسیله گله‌اش منصوب و انتخاب نشده است و گله از شماری چارپایان بی خبر و ناآگاه تشکیل شده است و شبان در مقابل گله‌اش از یک نیرو و اختیار مطلق در برابر گله برخوردار است که البته این سخنان او با انتقاد نیز روبرو شد. او به این دلیل حکومت و نظام مشروطه را می پذیرد چون دارای شباهتهایی با اسلام است نه بخاطر اینکه شکل ایده آلی از حکومت است. او می گوید بعد از امامان که دارای علم لدنی و دارای تمام صفات پسندیده بودند و شایسته حکومت بودند بعد از آنها بهترین جانشین حکومت نظام مشروطه گری است. در این زمان نه تنها استبدادگران با این نظام مخالف بودند بلکه به روی افکار مردم هم تأثیر گذاشت مثلاً شیخ فضل الله نوری در شاهزاده عبدالعظیم، نود روز تحصن جست و در این فرصت حملات و انتقادهای سخت خود را بر ضد تغییر رژیم کهن به یک نظام پارلمانی به اوج رسانید و در همین مدت نشریه ها و رساله هایی بر ضد مشروطه نوشته شود و عده زیادی حول استبدادگران جمع شوند. در چنین شرایطی نائینی به دنبال یافتن دلائلی برای اثبات بر حق، دادگرانه بودن و خداپسند بودن رژیم مشروط مبدول می داشت. دفاع نائینی از اصول مشروطه از اهمیتی بنیادی برخوردار است زیرا برای نخستین بار موضع شیعیگری را در برابر

^۱ .Tyranny

^۲ . Despotism

مشروطیت به شیوه اثباتی و بسیار منظم، آن هم بعنوان مجتهد نامدار و قابل احترام بیان و توجه و پشتیبانی بسیاری از مراجع وقت را نیز جلب کرد (حائری، ۱۳۶۰: ۲۶۰-۲۶۳).

۵- وظائف قوای حاکم از دیدگاه نائینی

نائینی از جمله کسانی بود که مشروطه را مطرح کرد از نظر او اساس دموکراسی و مشروطیت هرگز مستلزم آزادی به معنای رفع پوشش و عفت اسلامی نسبت به دین نیست. نظام مطلوب در اندیشه های اصلاح گران مشروطه از جمله نائینی آن بود که تنها هیاتی از « نخبگان جامعه » که دارای فضیلت علمی هستند و با معارف وزمانه خود آشنا هستند، صلاحیت این را دارند که زمام امور را به دست گیرند و جامعه آرمانی و قانونمدار را به وجود آورند (ثقفی، ۱۳۷۹: ۲۵۲).

به عقیده نائینی دوام دولتها بنا بر ضرورت عقلی ریشه در حاکمیت خود مردم دارد و تفکیک این دو سرانجام موجب انهدام کلیه ارزشهای ملی و دینی خود بود و دولت جدا شده از ملت هر چند که زمینه رشد و توسعه و پیشرفت همه جانبه کشور را سامان داده باشد محکوم به فساد است. او معتقد است اقتدار دولت از حاکمیت مردم اعمال این اقتدار به دو ولایتی و تملکیه صورت متصور است.

نائینی در کتاب « تنبیه الامه » به شرح وظائف اصلی مجلس شورای ملی پرداخته است :

- ۱- ضبط و تعدیل مالیات و موازنه درآمدها و هزینه های کشور
- ۲- حفظ امنیت و ایجاد نیروهای مسلح برای تأمین امنیت داخلی و دفاع از تمامیت کشور
- ۳- احیای سنت نبوی در مورد تقسیم درآمدهای عمومی
- ۴- قانونگذاری بر اساس موازین شرعی
- ۵- نظارت و مراقبت و حسابرسی دخل و خرجهای دولت که تحت عنوان دیوان محاسبات در قانون اساسی منظور گردیده است.

او قانونگذاری را به دو صورت مشروع می شمارد :

الف - قانونگذاری در مواردی که حکم آن بطور منصوص در شریعت آمده و فقها آن را مضبوط و قاعده مند نمودند و حکم آن را بطور مشخص بیان نموده اند.

ب - قانونگذاری در موارد غیر منصوص که تصمیم گیری در مورد آن موکول به نظر « ولی نوعی » است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۸۸).

۶- انواع حکومت

نائینی تلاش می کند که تبیینی ذاتی میان سیاست مشروطیت غربی و سیاست دینی را از میان بردارد. مقدمه رساله نائینی در تعریف استبداد و مشروطیت است، آغاز می کند با فرض سیاست مدون که نظام جامعه موقوف به یک نوع سیاستی است. از نظر او سیاست به مفهوم کلی دو جهت دارد، یکی: حفظ نظام داخلی و تربیت نوع اهالی، منع از تعدی و تجاوز به آحاد ملت و

رعایت مصالح داخلیه مملکت و ملت. دوم: حفاظت از مداخله اجانب و « تهیه قوه دفاعیه» وهمانطور که قبلاً هم ذکر شد این مفهوم را متشرعین «حفظ بیعه اسلام» گویند و سایر ملل حفظ وطنش خواندند، او مفهوم سیاست دینی و سیاست عرفی و ملی را پهلوی هم قرار داده و حفظ وطن و امت را یکی می‌داند و به استقلال وطن و قومیت تکیه کرده است. اما ما میدانیم که در فلسفه‌ی حکومت اسلامی وطن و ملت (به مفهوم سیاسی جدید آن) وجود ندارد. این خود تأویل آن عالم شریعت است. در ربط با سیاست غربی است و نکته مهم اینکه شرط اساسی قوام دولت را « خواه دولت دینی و خواه ملی و عرفی» در این شناخته که قائم به « نوع» خود و ملت باشد (آدمیت ۱۳۶۰: ۲۳۰).

از نظر او حکومت به اعتبار کیفیت آن سه نوع است و هر کدام از این سه نوع را با بیان ویژگی‌های آنها شرح می‌دهد:

۱- حکومت استبدادیه: که به الفاظ دیگر چون « تملکیه - دل بخواهانه - خودسرانه و استبدادیه» نیز تعبیر می‌شود. مجموعه آن خصوصیت دولت استبدادی را توصیف می‌کند. در چنین نظامی فرمانروا « حاکم مطلق» حاکم به امر و مالک رقاب و به « فاعلیت ما پشاه و عدم مسئولیت عما یفعل» اعتقاد دارد. یعنی فاعل مطلق است و نسبت به کردار خود مسئولیت ندارد. « معامله‌ی او با ملک و ملت مانند « مالکین نسبت به اموال شخصیه خود» باشد و مالکیت را مانند عیید مسخر خویش می‌شمارد. هر کجا به هر تصرفی مختار است، هر که را خواست مقربش می‌گرداند و هر حقی را که خواهد احقاق و اگر بخواهد پایمالش می‌کند و معامله‌ی نوع اهل مملکت با زیردستان خود همان شیوه‌ی استبداد فرمانروا است با همه افراد. چنین مردمی در چنین مملکتی عبد و بنده فرمانروا هستند. شناخت او در همبستگی میان استبداد سیاسی و استبداد دینی مهم است. او اتحاد بین دستگاه روحانی و حکومت را هم مورد تحلیل اجتماعی قرار می‌دهد و همین اندازه آن دو را قرین یکدیگر می‌آورد. او می‌گوید: همانطور که در فرمانبرداری از اراده اصحاب ظلم سبب اسارت و بندگی ملت می‌شود. گردن نهادن به تحکیمات خود سرانه‌ی رؤسای مذاهب عامل عبودیت است. او رأی دانشوران را که استبداد را به سیاسی و دینی تقسیم میکند قبول دارد، با این تفاوت که استبداد دینی به « خدعه و تدلیس» مبتنی است و استبداد سیاسی به زور و قهر متکی است، اولی منشأ « تملک ابدان» و دومی « تملک قلوب» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۳۳-۲۳۲).

۲- او نوع دیگر حکومت را « مشروطه - مقیده - محدوده - مسئوله - دستوریه و شوریه» نامید. آنجا اساس سیاست بر وظائف و مصالح نوعیه قرار گرفته و استیلای دولت به همان اندازه محدود و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد مقید و مشروط باشد. مالیه کشور باید تحت نظارت و کلاهی ملت ملت باشد تا از حیف وصل شدن آن جلوگیری شود. بعبارت دیگر این قسم حکمرانی از مقوله‌ی

«ولایت و امانت» است. مسئولیت متصدیان یعنی عاملان دولت به مراقبت داشتن از ملت یعنی صاحب امانت - از فروع نظام مشروطه است (همان: ۲۳۴).

۳- در اقتدار ولایت هرگز مالکیت زور، سلطه گری و حاکمیت مطلقه وجود ندارد و مبنای قدرت سیاسی همان مسئولیت در برابر مصالح عمومی است. حدود اقتدار سیاسی دولت نیز در چارچوب مصالح عمومی مشروط می‌گردد. به همین لحاظ اقتدار حاکمیت چنین دولتی مشروط خواهد بود. و رابطه‌ی آن با مردم نوعی امانتداری است و مردم در مقابل چنین حکومت می‌توانند انتقاد کنند. نائینی در تبیین نوع مشروط حکومت که همین نوع دولت با اقتدار ولایتی است. نائینی در حقیقت نظام امامت را نوع تکامل یافته حکومت مشروطه می‌داند که در زمان غیبت امام زمان (عج) تحقق آن را ناممکن است ولی تصویری ناقص و مجازی از آن را ارائه می‌دهد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۳).

در بنای دولت مشروطه دو امر لازم است: اول (تدوین دستور اساسی که حاوی اصول منافع عمومی باشد و آن را نظام نامه و قانون اساسی می‌گویند. دوم) استوار داشتن هیأت منتخبه‌ی مبعوثان ملت که از گرده‌ی دانایان مملکت و خیر خواهان ملت که آشنا به قوانین بین المللی وسایل دیگر هستند انتخاب می‌شوند. این هیأت مجلس شورای ملی را می‌سازند. بنا بر اصول اهل سنت مشروع بودن «هیأت منتخبه» مزبور فقط به نفس انتخابات ملت است و متوقف به امر دیگری نخواهد بود. اما بنا بر عقیده‌ی اهل تشیع همین قدر کافی است که چند تن از مجتهدان از جانب ایشان در هیأت انتخاب شدگان باشد در این صورت در مشروع بودن «آرای صادره» از مجلس ملی تردید نخواهد بود (آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۳۵).

شاید بتوان گفت او و روشنفکران غرب زده به ظاهر در مشروطه خواهی مشترک بودند، ولی هدفشان یکی نبود آنان به اسلام اعتقادی نداشتند و هوادار بی قید و شرط مشروطه غربی بودند. اما نائینی مشروطه‌ای را می‌خواست که با اسلام هماهنگ باشد. به همین دلیل به حضور مجتهدان آنان در مجلس شورا برای تصحیح و تنظیم و تنفیذ قوانین مصوبه تأکید می‌کند و از نظر او مشروطه از آن جهت مشروع بود که دفع افسد و فساد می‌کند ولی آن را بطور کامل نظام کامل اسلامی نمی‌دانست (انصاری، ۱۳۷۰: ۳۲).

اندیشه سیاسی نائینی در کتاب تنبیه الامه به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف- نظام سیاسی مطلوب و مشروع

ب- اصول سیاسی حاکم

ج- پاسخ به شبهه‌هایی که مخالفان مشروطه از نظر مخالفت با شرع مطرح کرده‌اند (عمید

زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۹).

یک نکته اساسی قابل ذکر است که نائینی حکومت را بر اساس منشاء تقسیم نمی‌کند، بلکه بر اساس واقعیت یا ماهیت آن تقسیم می‌نماید. از حکومت ولایتی را که نظام آرمانی نائینی است و

آن همان حکومت انبیاء و اولیاء است. و بیشترین قرابت را با حکومت مشروطه دارد. و نوع دیگر حکومت، حکومت استبدادی است (نصر اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۲۰-۳۳۳).

۷- نوآوری در هدف

در گذشته حکومت، هدف از تشکیل حکومت اجرای حدود و احکام شرعی بود ولی در نگرش نائینی آزاد سازی مردم از چنگ شرک نظام استبدادی و اجرای عدالت و استیفای حقوق مصالح و خواست مردم است. از نظر نائینی وظیفه اصلی دولت‌ها دو چیز است:

۱- تأمین مصالح و نظم داخلی مملکت، مثل تربیت آحاد ملت، رسانیدن هر ذی حقی به حق خود و جلوگیری از تعدی افراد به یکدیگر.

۲- حفظ وطن از مداخله و تعرض بیگانگان و تهیه مقدمات دفاعی برای این منظور.

در نظام سیاسی مورد نظر نائینی نه حاکمان کشور، ملت را ملک مطلق خویش می‌داند که هر گونه که خواستند در آنها تملک و تصرف اختیار کنند نه آراء و خواست مردم برای آنها بی اهمیت است بلکه در نظام سیاسی مورد نظر او حد قدرت حاکم به میزان وظائف و مصالحی است که به عهده دولت است. آحاد ملت با شخص سلطان در امور مالی و ... از قوای نوعیه شریک و نسبت همه به آنها متساوی و یکسان است. (نصر اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۲۳).

۸- نوگرایی در حق حاکمیت

در سنت فقهی در عصر غیبت فقط حکومت نایب امام و حکومت مأذون از قبل او مشروع و دینی بود در این صورت آنها تفاوت فاحشی بین حکومت پادشاهان و حکومت انبیا نمی‌دیدند. نائینی همه بلایای موجود در کشور ایران ناشی از نظام استبدادی می‌دانست و معتقد است این نظام اخلاق را فاسد می‌کند و مانع هر گونه تحول پیشرفت می‌شود. حاکمیت شاهنشاهی باعث شرک و کفرو بی عدالتی است نتیجه طبیعی چنین حکومتی ظلم و ستم به مردم است. این در حالی است که برای سنت گرایانی مثل شیخ فضل الله چنین ظلم و ستمی وجود ندارد یا او حداقل چنین احساسی از وضع موجود ندارد. بیان شیخ نسبت به آنها نشان از این دارد که حکومت آنها چیزی از عدالت کم ندارد ولی نائینی حکومت را بر اساس منشأ تقسیم نمی‌کند، بلکه بر اساس واقعیت و ماهیت آن تقسیم می‌نماید. او حکومت استبدادی مطلقه و لو دینی را نامشروع می‌داند و حکومت عرفی کارآمد جمعی غیر استبدادی را مشروع می‌شمرد (نصراصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۲۰ - ۳۱۹).

نظام مورد نظر نائینی فقط با وجود امام معصوم تحقق خواهد یافت و به دلیل عدم دسترسی به این انسانهای پاک او بر آن می‌شود تا به نزدیکترین نظم به نظام ولایتی رهنمون شود. او با دیدگاه کارکرد گرایانه و واقع بینانه خود نوعی دموکراسی یا دولت عرفی را پیشنهاد می‌کند. مشارکت جدی مردم، تدوین قانون اساسی، تفکیک قوا و نظارت دقیق بر اجرای قوانین از طریق

قوای پیش بینی شده بخصوص مجلس شورای ملی از مشخصه های نظام مورد نظر اوست. مرحوم نائینی کسانی را که از شاه حمایت می کنند حامی منافع خویش معرفی می نمایند (همان: ۳۲۹).

۹- نائینی از دیدگاه دیگران

لازم است که تذکر داد متأسفانه گروهی در اصالت اندیشه های سیاسی نائینی تردید کرده و معتقدند تحلیل نائینی هم از استبداد سیاسی، دینی و استبداد جمعی برگرفته از ترجمه « طبایع الاستبداد» عبدالرحمان کواکبی است. او نیز از اثر « ورتیو ریو الغیری » نویسنده ایتالیایی بهره گرفته است. باید گفت نائینی، مجتهدی بیدار و آگاه بود و با نوشته های سیاسی زمان خود از کتابها، مجله آشنایی داشته است. به نظر یکی از روشنفکران غرب زده « نائینی علاوه بر رشته تخصصی خود در حکمت عملی دست دارد با مدونات زمان خویش آشناست و نسبت به مسائل دوره اول مشروطه آگاه است ...، هوشیاری ملی اش خیره کننده...، در انتقاد سیاسی بسیار تواناست.» (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۲).

متأسفانه برخی از منور الفکران نویسنده، در تلاشی شیطانی بخش عمده کتاب «تنبيه الامه» را رد اندیشه های شیخ فضل الله نوری قلمداد می کنند. آنها تلاش می کردند که نشان دهند نائینی به دنبال «سکولاریسم» و «لامذهبی» سیر می کرد به اسلام نزدیک کند و بی خدایی و خدا باوری را با هم سازش دهد و در برابر، شیخ فضل الله نوری را مستبد و متعصب وانمود کند که در راه نگهداری رژیم خودکامه و استبدادی تلاش داشته و جز ناپودی مشروطه هدفی نداشته است (همان: ۳۹).

اندیشه های نائینی محصول اجتهاد و تفکر خود اوست و نمی توان آن را برگرفته از طبایع الاستبداد و یا آثار دیگر داشت. شواهدی که او از قرآن و نهج البلاغه ارائه می دهد به خوبی این نظر را تأیید می کند (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۳).

نتیجه گیری

بیشتر نوگرایان دنیای اسلام، اندیشه ی مشروطه گری را به شیوه ای که در خود آن بود با دیده دقت ننگریستند. در خلال رشد اندیشه های نو سیاسی در ایران، چهار گونه اندیشه گر گام به پهنه هستی گذاردند، آنان را شاید بتوان این چنین قشر بندی کرد:

- ۱- هواخواهان بی قید و شرط نظامهای غیر دینی مانند آخوند زاده.
- ۲- سکولاریستهای اهل توافق، ملکم خان و متشار الدوله تبریزی.
- ۳- نوگرایان مذهبی محافظه کار، این افراد در شعارهای نوگرایانه خود تا درخواست بنیانگذاری «عدالتخانه» پیش رفتند.
- ۴- مذهبی های علاقه مند به تغییرات بیشتر، اغماض بیشتر و آشتی گرایی بیشتر مانند نائینی .

نائینی که اعضای گروه چهارم است؛ بعنوان یک تئوریسین فعال و منظم اصول مشروطه‌گری خودنمایی کرد، ولی منابع آگاهی وی محدود به نوشته‌های عربی و فارسی بوده که بیشتر آن منابع توجهی به نقاط اساسی اختلاف میان اسلام مشروطه و دموکراسی نداشته است. اگر چه کتاب طبائع الاستبداد به تئوری استبداد نائینی تأثیر چشمگیری داشت ولی بحثی سودمند پیرامون اصول مشروطه در اختیار نائینی نگذاشت. نائینی بعنوان جامع‌ترین نماینده علماء، دیدگاه‌های خود و دیگر علماء همفکرش را به شیوه‌ای منظم و منطقی در کتاب تنبیه الامه بیان کرد. او می‌گفت عالیترین حکومت، حکومت امام زمان (عج) است. که حال وجود نداشته، بنابراین حکومت حاکم باید غیر استبدادی که ضوابط اساسی را کاملاً زیر پا نگذارد. نائینی می‌گفت که همه مردم حق حکومت دارند که این بحث جدیدی بوده است و نائینی با روشنفکران هر دو اگر چه یک هدف مشروطه را داشتند اما نائینی به دنبال جنبه‌ی اسلامی دادن به مشروطه بود، اما روشنفکران به دنبال مشروطه غربی بودند.

منابع

- آبادیان، حسین. (۱۳۷۹). «نائینی و تلقی دینی از مشروطه». تبیان اندیشه: گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آراء آیت الله العظمی میرزا محمد حسین غروی نائینی. به کوشش انجمن آنا و مفاخر فرهنگی استان اصفهان با همکاری محمدحسین یاری و محمد نوری، اصفهان: انجمن آثار معاصر فرهنگی استان اصفهان، صفحه ی ۱۳۶-۱۱۱.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۰). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.
- انصاری، مهدی. (۱۳۷۹). «نائینی اندیشمند دین و سیاست». سیری در آراء و اندیشه‌های نابغه‌ی بزرگ شیعه حضرت آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی. به کوشش سید امیر حسن حسینی روحانی و سید محسن هاشمی، اصفهان: انجمن آثار معاصر فرهنگی استان اصفهان، صفحه ی ۴۸-۲۹.
- ثقفی، محمد. (۱۳۷۹). «خط اعتدال در نهضت مشروطیت ایران (نائینی و طالبوف)». سیری در آراء و اندیشه‌های نابغه‌ی بزرگ شیعه حضرت آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی. به کوشش سید امیر حسن حسینی روحانی و سید محسن هاشمی، اصفهان: انجمن آثار معاصر فرهنگی استان اصفهان، صفحه ی ۲۶۳-۲۴۳.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دورانی، علی. (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران. جلد اول و دوم، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
- رجیبی، محمد حسن. (۱۳۸۲). علمای مجاهد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۹). «مبانی حکومت در اندیشه سیاسی میرزای نائینی». سیری در آراء و اندیشه‌های نابغه‌ی بزرگ شیعه حضرت آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی. به کوشش سید امیر

حسن حسینی روحانی و سید محسن هاشمی، اصفهان: انجمن آثار معاصر فرهنگی استان اصفهان، صفحه‌ی ۲۷۱-۳۱۳.

- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). دین و روشنفکران مشروطه. تهران: اختران
- نائینی، شیخ محمد حسین. (۱۳۷۸). تنبیه الامه و تنزیه المله. چاپ نهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۸۶). تنبیه الامه و تنزیه المله مقدمه، ویرایش، شرح و تعلیق روح الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
- نصر اصفهانی، محمد نصر. (۱۳۷۹). «تقابل اندیشه های آیت الله نائینی با سنت گرایی». سیری در آراء و اندیشه های نابغه ی بزرگ شیعه حضرت آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی. به کوشش سید امیر حسن حسینی روحانی و سید محسن هاشمی، اصفهان: انجمن آثار معاصر فرهنگی استان اصفهان، صفحه‌ی ۳۱۵-۳۴۱.

